

اثبات کروی بودن زمین از منظر قرآن

سمیرا شرافت^۱

چکیده

یکی از موضوعات مهم که باید آن را پژوهید، رابطه علم و دین است، که آیا دین مبین اسلام چه در بعد شریعت و چه در بعد تکوین با مسائل علمی هماهنگ و هم قدم است؛ یا نقاط دیگری غیر از نقاط انتخاب شده توسط علم را انتخاب نموده است. به بیان دیگر باید بررسی نمود که تعامل دین در متون خود با مسائل عالم تکوین که در این موضوع مورد تاکید است، چگونه بوده است. در پژوهش حاضر به نهاد «کروی بودن زمین از منظر قرآن کریم» پرداخته شده و باید بدان پرداخت که آیات قرآن کریم چگونه این موضوع را مورد اشاره و تصریح قرار داده‌اند. اگر یارای و توان اثبات مسئله کروی بودن زمین از منظر آیات و نفی مسطح بودن زمین از آن وجود داشته باشد، بدون شک مهر تأییدی بر نظریه تقارن علم و دین و یکی از دستگیره‌های محکم برای مقابله با نظریه جدایی دین از علم خواهد بود. انتساب نظریه مسطح بودن زمین به آیات قرآن در سوره کهف و ماجراي ذوالقرنین، غلط و برداشتی اشتباه از آن آیات بوده؛ و در واقع متمسک به این آیات فضای نزول و شأن نزول آن را درست ادراک ننموده؛ و با عناد و دگماتیسم بر روی واژه‌ها قصد انتساب نظریه‌ای به قرآن و در نتیجه

۱ - طلبه حوزه علمیه ریحانه، پایه ۳.

در صدد آن است، که جدایی و انفکاک دین از علم و حقایق عالم تکوین را نتیجه بگیرد. با روشن نمودن معنای واقعی آیه و شاهد قرار دادن برخی آیات دیگر از قرآن کریم از باب «*یفسر القرآن* بعضه **بعضاً**»، از تعابیر مشارق و مغارب به کار رفته در آن آیات نه تنها نظریه همسطح بودن زمین را نمی‌توان برداشت نمود، بلکه این گونه تعابیر تنها با نظریه کروی بودن زمین سازگاری دارد؛ و قرآن کریم حتی در آن فضای شأن نزول و اعتقاد غلط مخاطبان حقایق عالم تکوین را به گونه‌ای رمزگونه در اختیار اهل آن قرار داده است.

کلید واژه: کروی، مسطح، آیات قرآن، تکوین

مقدمه

یکی از موضوعات قابل توجه در علوم اسلامی پرداختن متون دینی به عالم تکوین و حقایق آن است. متون دینی به ویژه قرآن کریم که به اعتقاد امامیه از سوی خداوند متعال نازل و جای هیچ‌گونه تحریف از جانب زیادت و نقصان در آن نیست، در برخی موضوعات تکوینی عالم، وارد شده و به جزئیات و ظرائفی پیرامون آن حقایق، اشاره نموده است. موضوعاتی که پس از پیشرفت علوم و دسترسی به امکانات پیشرفته برای ادراک گوشه‌ای از باطن عالم وجود، روشن شده متون دینی به خصوص قرآن کریم چه دقایقی را مورد اشاره و تصریح قرار داده است.

یکی از مسائل عالم تکوین شکل و هیئت زمین است، که آیا شکل زمین کروی است یا مسطح؟ پس از گذشت سال‌های متادین و آزمایشات و تجربیات کثیر که اتفاق افتاده، علم بشری کروی بودن زمین را کشف و با براهین عقلی آن را اثبات نموده است. در پژوهش حاضر به کروی بودن زمین از منظر قرآن کریم پرداخته شده و بیان شده که این نهاد چگونه مورد اشاره و تصریح قرآن قرار گرفته

است.

پس از بررسی این مقوله باید به برخی شباهات مطرح شده در مورد این مسئله پاسخ داد. برخی با دست یازیدن جاها لنه به برخی آیات پنداشته‌اند، که آیات، مسطح بودن زمین را مورد تصریح قرار داده است؛ در حالیکه نوع برداشت و فهم اینگونه‌ای آیات از منظر منطق تفسیرشناختی قرآن دچار اشکالات اساسی است.

۱- چرخش زمین

زمین دارای دو نوع حرکت است: حرکت اول حرکت انتقالی نام دارد؛ و آن حرکت زمین به دور خورشید است^۱؛ و حرکت نوع دوم حرکت وضعی زمین است که به چرخش زمین به دور خودش گفته می‌شود^۲. حرکت چرخشی زمین باعث می‌شود که شب و روز پدید بیایند و انرژی خورشید بطور مساوی به همه قسمت‌های زمین پخش بشود. حال تصور کنید که حرکت چرخشی زمین به دور خودش وجود نداشت. در نتیجه در یک قسمت از زمین همیشه شب بود و قسمت دیگر همیشه روز بود در قسمتی از زمین که شب بود همیشه سرما و یخنیان حاکم بود و در قسمتی که همیشه روز بود اشعه‌های خورشید به قدری آن ناحیه را گرم می‌کردند که غیر قابل سکونت می‌شد و دمای آن صدها درجه سلیسیوس افزایش می‌یافت و در نتیجه همه جانداران و گیاهان از بین می‌رفتند؛ و عملاً در قسمتی که همیشه در رویه روى خورشید بود آب بصورت مایع وجود نداشت و بخار گرما تنها در

۱. عدالتی، تقی / فرخی، حسن، اصول و مبانی جغرافیای ریاضی، تهران، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۹۲۷م، ص

.۳۱۰

۲. ماير دگاني / خواجه‌پور محمدرضا، نجوم به زبان ساده، تهران، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیاتاشناسی، ۱۹۷۶م، ص ۲۱۹

فاز بخار بود.

در حقیقت شب یا تاریکی که در اثر حرکت وضعی زمین به وجود می‌آید باعث تعادل دمای زمین می‌شود و اگر شب وجود نداشت درجه حرارت زمین غیرقابل تحمل می‌شد. در سوره نبأ آیه ۱۰ بیان شده است: «وَ جَعَلْنَا الَّيلَ لِبَاسًا» (و شب را پوششی (بر اشیاء و کارهای شما) قرار دادیم). منظور قرآن کریم از پوشش قرار دادن شب نقش شب در تعادل دمای زمین و حفاظت زمین از اشعه های مرگبار خورشید است، که همانطور که در بالا اشاره شد؛ اگر شب و روز وجود نداشت هم اکنون حیات نیز بر روی کره زمین وجود نداشت.

۲- کروی بودن زمین در آیات قرآن

یکی از اسرار هستی که در قرآن به آن اشاره شده موضوع «کروی بودن زمین» است؛ و این حقیقت از آیات زیر استفاده می‌شود:

۱- «وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارَبَهَا^۱».

(و به گروهی که همواره (از سوی فرعونیان) ضعیف و ناتوان شمرده می‌شدند، مشرقها و مغربهای آن سرزمین را که پرخیز و برکت قرار داده بودیم «سرزمین شام و فلسطین را» به ارث دادیم.^۲)

۲- «رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَسَارِقِ^۳».

(پروردگار آسمانها و این زمین و آنچه در میان آنهاست و پروردگار مشرقهاست «مشرقها

۱. الاعراف(۷)، آیه ۱۳۷.

۲. علی اکبر، فیض(مشکینی)، قرآن کریم ترجمه آیت الله مشکینی، مترجم علی مشکینی، قم، الهادی، ۱۳۸۱ش.

۳. الصافات(۳۷)، آیه ۵.

خورشید و ستارگان در طول سال»).

۳- «فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ^۱.

(پس سوگند به پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها «صد و هشتاد مشرق خورشید از اول میل اعظم جنوبی آفتاب تا انتهای میل اعظم شمالی آن که از اول زمستان تا اول تابستان و عکس آن است، و صد و هشتاد مغرب مقابل آنها و یا مشرق‌ها و مغرب‌های ستارگان و یا اقمار دیگر این خورشید، و یا اقمار هر خورشیدی» که همانا ما تواناییم).

مشرق از شرق (بر وزن قمر) و شرق، به معنی طلوع آفتاب است و اصل آن به معنی روشن شدن؛ شرق اسم مکان و به معنی محل طلوع است. مغرب از غرب به معنی دور شدن و مغرب محل غروب و دور شدن است. غروب آفتاب عبارت است از دور شدن و پنهان شدن آفتاب از نظرها^۲.

این آیات همگی حاکی از تعدد مشرق‌ها و مغرب‌ها و نقطه طلوع و غروب آفتاب است^۳، که لازمه آن کروی بودن زمین است؛ زیرا بطور مسلم اگر زمین مسطح و هموار باشد، برای جهان جز یک مشرق و یک مغرب نخواهد بود و تنها در صورتی کروی بودن زمین، به نسبت انحنای آن، هر نقطه‌ای دارای مشرق و مغرب جداگانه‌ای خواهد بود و طلوع خورشید بر جزیی از اجزای آن، ملازم با غروب آن از جزء دیگر است و بنابراین، تعدد مشرق و مغرب دلالت روشنی بر کروی بودن زمین دارد.

ارسطو نیز از همین اشارات استفاده نموده و اینگونه استدلال نموده است که طلوع و غروب ستاره‌ها برای ساکنان شرق زمین، زودتر اتفاق می‌افتد، تا برای آنهایی که در غرب‌اند. اگر زمین از

۱. المعارض (۴۰)، آیه ۲۰.

۲. سید علی اکبر، قرنشی، احسن الحدیث، قم، واحد تحقیقاتی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۲۰.

۳. سید محمد حسین، طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه

قم، ۱۴۱۷ق، ذیل آیه ۴۰ سوره معارج.

نتیجه‌گیری

با نگرش به استدلال‌های ذکر شده در این پژوهش روشن شد، که انتساب نظریه مسطح بودن زمین به آیات قرآن کریم در سوره کهف و ماجراي ذوالقرنین، غلط و برداشتی اشتباه از آیات قرآن است. در واقع متمستک به این آیه فضای نزول و شأن نزول آن را درست ادراک ننموده؛ و با عناد و دگماتیسم بر روی واژه‌ها قصد انتساب نظریه‌ای به قرآن و در نتیجه در صدد آن است، که جدایی و انفکاک دین از علم و حقایق عالم تکوین را نتیجه بگیرد.

با روشن نمودن معنای واقعی آیه و شاهد قرار دادن برخی آیات دیگر از قرآن کریم از باب «**یفسر القرآن بعضه بعضاً**»، از تعبیر مشارق و مغارب به کار رفته در آن آیات نه تنها نظریه همسطح بودن زمین را نتوان برداشت نمود، بلکه این گونه تعبیر تنها با نظریه کروی بودن زمین سازگاری دارد؛ و قرآن کریم حتی در آن فضای شأن نزول و اعتقاد غلط مخاطبان حقایق عالم تکوین را به گونه‌ای رمزگونه در اختیار اهل آن قرار داده است.

در استنتاج باید این نظریه اعتدالی صادر شده از علامه طباطبائی و شاگرد مبرزش علامه مطهری را بر جسته نمود، که آیات قرآن کریم اگر بیان همه چیز است و هیچ خشک و تری نیست مگر اینکه در آن بیان شده؛ به معنای این نیست که همه علوم حتی شیمی و فیزیک هم در آن ذکر شده باشد، بلکه بنابر نظریه استاد هر آنچه مربوط به هدایت بشر و سفر متعالی او در عالم خلقت وجود دارد، در این کتاب ذکر شده است.

منابع و مآخذ

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

- ١) ابن کثير، اسماعيل بن عمر، **تفسير القرآن العظيم**، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤١٩ق.
- ٢) ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدين، محمد بن مكرم، لسان العرب، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، بيروت، چاپ سوم، ١٤١٤ق.
- ٣) اسكندراني دمشقى، محمد بن احمد، **كشف الاسرار النورانيه**، دار الكتب العلميه، بيروت، ٢٠١٠م.
- ٤) على اکبر، فيض(مشكيني)، قرآن کریم ترجمه آيت الله مشكيني، مترجم : على مشكيني، قم، الهادى، ١٣٨١ش.
- ٥) حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الكلوم، دار الفكر المعاصر، بيروت، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
- ٦) عبدالکریم، سروش، فربه تر از ایدئولوژی، صراط، بی‌جا، ١٣٩٣ش.
- ٧) شیخ طنطاوى، **الجواهر فی تفسیر القرآن**، دار الكتب العلمية، بيروت، بی‌تا.
- ٨) سید محمد حسين، طباطبائی، **المیزان فی تفسیر القرآن**، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ١٤١٧ق.
- ٩) ملامحسن، فيض کاشانی، **تفسیر الصافی**، تحقيق حسين اعلمی، تهران، انتشارات الصدر، ١٤١٥ق، چاپ دوم.

- (10) سید علی اکبر، قرنشی، احسن الحدیث، قم، واحد تحقیقاتی اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
- (11) تقی، عدالتی / حسن، فرخی، اصول و مبانی جغرافیای ریاضی، تهران، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۹۲۷ م.
- (12) مایر دگانی / مترجم: محمدرضا خواجهپور، نجوم به زبان ساده، تهران، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۹۷۶ م.

اثبات کروی

بودن زمین

از منظر قرآن

پژوهشگر: سمیرا شرافت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ